

نویسنده: هنری ژیروکس «Henry Giroax» .
منبع و تاریخ نشر: کونتر پانچ « 2022-05-13 » .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

جنگ علیه جوانان در عصر سیاست فاشیستی

The War on Youth in the Age of Fascist Politics



منبع عکس David Schott – CC BY 2.0 :

جوانان در محاصره

یکی از مهمترین موارد در سنجش سلامت دموکراتیک یک جامعه را می توان در نحوه رفتار آن با جوانان یافت. با هر استاندارد کنونی، که شامل کیفیت مدارس دولتی و قوانینی است که از سلامت و رفاه جوانان محافظت می کند، در ایالات متحده به شدت در حال شکست است. محافظت و مراقبت از جوانان، به ویژه از جوانان رنگین پوست،

نه تنها که به عنوان یک مسئولیت انگاشته شود، بلکه بسیاری از رفتارهای آنها نیز به طور فزاینده ای جرم انگاری می شود. وقتی جوانان بی رحمانه و بی رحمانه تر در معرض نیروهایی قرار می گیرند که آنها را کالایی (متاعی) می کنند، آنها را جرم انگاری می کنند، مجازات می کنند، و آنها را شایسته دریافت آموزش انتقادی و معنادار نمی دانند، برای کل ملت نوید بدی را می دهد. البته این حمله به جوانان چیز جدیدی نیست.

در دهه 1970 به جوانان به عنوان درنده و یغماگر و خطرناک نگریسته می شد و در نسل های بعدی؛ آنها یعنی جوانان به طور فزاینده ای به حاشیه رانده شدند، وحشت زده شدند و از قرارداد اجتماعی خارج شدند. [1] ایالات متحده یکی از معدود کشورهای جهان است که کودکان را در زندان های سوپر مکس قرار می دهد، آنها را در بزرگسالی محاکمه می کند، آنها را برای دوره های زمانی استثنایی زندانی می کند، آنها را به عنوان "سوپر شکارچیان" تعریف می کند، بر آنها فلفل به نسبت شرکت شان در تظاهرات مسالمت آمیز اسپری می کند. و آنها را به عنوان "بمب ساعتی نوجوانان" توصیف می کند. [2] اخیراً گزارش شده است که صدها کودک بومی آمریکایی در ایالات متحده و حتی تعداد بیشتری از کودکان بومی کانادا در مدارس دولتی و رزرو شده نه تنها از خانواده های خود جدا شده اند، بلکه همچنین مورد آزار جسمی، عاطفی و جنسی قرار گرفته است. بسیاری دیگر در این کارخانه های نسل کشی جان باختند و در گورهای بی نشان دفن شدند. میراث خشونت علیه کودکان رنگین پوست در ایالات متحده عمیق است. [3] آنها همچنین به عنوان یک منبع سرمایه گذاری بلند مدت، مشاهده شده اند و یا همچنان آنها در نئولیبرالیسم هم به عنوان یک بدهکار اقتصادی و هم به عنوان تخلیه منابع مورد نیاز برای تمرکز ثروت در دست طبقات حاکم و نخبگان مالی تعریف می شوند.

چیزی که تغییر کرده این است که طیف قوانین و مکان هایی که اکنون در آنها جنگ علیه جوانان به راه افتاده است از خیابان ها به تمام مؤسسات اصلی که در آن ساکن هستند منتقل شده است. هیچ فضایی برای جوانان محروم امن نیست. مدارس برای بچه های رنگین پوست فقیر عمدتاً از زندان ها الگوبرداری شده اند. کتاب ممنوع است؛ معلمان به دلیل عدم اشتراک در سفید کردن تاریخ در محاصره هستند. مؤسسات دولتی مستهلک می شوند. اعتبار مالیاتی برای بچه های فقیر لغو می شود. بدهی دانشجویی آینده بسیاری از جوانان را سلب می کند. برتری گرایان سفید در حال حاضر قوانینی را علیه آن جوانان وضع می کنند، به ویژه جوانان تراجنسیتی، که گرایش جنسی و هویت آنها در یک مفهوم سفید پوست مسیحی ارتدوکس هم از هترو ن هنجاری و هم با تصور واپس گرایان از اینکه چه کسی واجد شرایط شهروندی است، نمی گنجد. در چنین شرایطی، جای تعجب نیست که در گزارشی که در مجله پزشکی *The Lancet* منتشر شده است، «ایالات متحده از نظر اندازه گیری بقاء، سلامت، آموزش و تغذیه کودکان در رتبه پایین تر از 38 کشور دیگر قرار دارد - و هر کشوری در جهان دارای سطوحی از انتشار بیش از حد کربن که نسل های جوان را از آینده ای سالم و پایدار باز می دارد» [4].

نابرابری، بی ثباتی و تباهی اخلاقی اکنون در DNA سیاست آمریکا نوشته شده است و کسانی که بیشترین آسیب را از این شکل از سیاست نکرولپلیتیک می‌کشند، جوانان رنگین پوست و جوانان فقیر طبقه کارگر هستند. جوانانی که متن دموکراسی نوشته شده را خوانده اند، آینده خود را لغو می‌بینند. جای تعجب نیست که یک نظرسنجی در سال 2021 که توسط موسسه سیاست دانشکده کندی دانشگاه هاروارد منتشر شد بیان کرد که "52٪ از جوانان در ایالات متحده معتقدند که دموکراسی این کشور یا "در مشکل" است یا "یک دموکراسی شکست خورده". فقط 7٪ گفتند که دموکراسی در ایالات متحده «سالم» است.» [5] سرمایه داری در فهرست فاشیست نئولیبرال خود نه تنها جوانان را به عنوان دشمن تعریف کرده است، بلکه آنها را برای زندگی پر از عدم اطمینان، حماقت، جهل و همناوایی آماده می‌کند. و در حالی که آینده باز است و سلطه تنها ثبت قدرت نیست، هیچ لحظه تاریخی مهمتر برای جوانان وجود نداشته است که برای مفهوم عاملیت، عدالت و برابری که به هر دوی آنها امید و آزادی می‌دهد قیام کنند و مبارزه کنند. و احساس برابری و عدالت بکنند.

اجتماعی ناپدید شدن:

عصر طلایی و ادغام و ترکیب فعلی آن توام با سیاست فاشیستی با سودهای کلان برای موسسات مالی فوق‌العاده ثروتمند و بزرگ؛ و فقر و بدبختی فزاینده برای طبقات متوسط و کارگر بازگشته است یا بوجود آورده است. علاوه بر این، جهل ساختگی، بی‌سوادی سیاسی و بنیادگرایی مذهبی بازار را در گوشه‌ای از خشم پوپولیستی قرار داده است و از کشوری حمایت می‌کند که در آن، همانطور که **رابرت رایش** اشاره می‌کند، «ثروتمندترین افراد تمام منافع اقتصادی را کسب می‌کنند [و] به طور معمول به سیاستمداران رشوه می‌دهند. و آنهم بخاطر کاهش مالیات و ایجاد سیاست‌هایی که کالاهای عمومی را حذف می‌کند. [6] بدتر میشود. ما اگر به هر طرف که نگاه کنیم، حزب جمهوریخواه کنونی با تعهد خود به برتری سفیدپوستان و سیاست‌های فاشیستی، از اقتدار و قدرت خود برای تضعیف قرارداد اجتماعی و کیفیت عدالت می‌پردازد، اگر نگوییم خود زندگی، برای طیفی از جوانان استفاده می‌کند که به طور فزاینده‌ای به حاشیه رانده شده‌اند. قدرت. نخبگان سیاسی و شرکتی بی‌شرمانه و بدون عذرخواهی از قدرت کنترل نشده خود برای از بین بردن خدمات عمومی، تحقیر کالاهای عمومی یا نهادهای مانند مدارس، زیرساخت‌ها، خدمات بهداشتی و حمل و نقل عمومی استفاده می‌کنند. همه‌گیری‌های طبی و صحنی اکنون از طریق همه‌گیری‌های سیاسی و اخلاقی که سرمایه را بر نیازهای انسانی، مراقبت‌های بهداشتی معنادار، و مسائل عدالت اجتماعی اولویت می‌دهند، شتاب می‌یابد [7].

در همین حال، نظم اجتماعی نئولیبرال از ارزش‌های بی‌رحمانه و تنبیه‌کننده **داروینیسیم** اقتصادی و اخلاقی بقای مناسبت‌تر استقبال می‌کند. با انجام این کار، احزاب سیاسی بزرگ به بانک‌های بزرگ، صنایع مالی فوق‌العاده بزرگ، نهادهای دفاعی و تجارت‌های بزرگ به عنوان ذینفعان اصلی خود پاداش می‌دهند. صرف نظر از عواقب آن برای

منافع عمومی گسترده تر، از جمله کودکان، تلاش و سواستی برای کسب سود کوتاه مدت توسط حواریون نئولیبرالیسم تنها با تلاش تهاجمی از سوی نخبگان مالی و سیاسی حاکم برای خصوصی سازی خدمات عمومی و مقررات زدایی مطابقت دارد. صنعت مالی، و غیر سیاسی کردن قلمرو عمومی بمنظور جایگزینی اقتصاد بازار با جامعه بازار است [8].

با تصویب کاهش مالیات برای ثروتمندان ممتاز و حملات فزاینده به آزادی های مدنی، سیاستمداران دست راستی که در **ترمپیسیم** غوطه ور هستند، دادگاه عالی مرتجع و تعدادی از فرمانداران ایالتی دست راستی، جنگی مداوم را علیه حقوق زنان، دولت رفاه، کارگران، دانشجویان، مطبوعات و هرکسی که جرأت دارد علیه چنین حملاتی صحبت کند را آغاز کرده اند. رسانه های تحت کنترل شرکت ها، به ویژه **فاکس نیوز**، همراه با بنیادهای راست گرای ثروتمند مانند **ALEC** «دفاع از مردان»، بنیاد **براد لی**، و بنیاد **کنج** در حال شکل دهی به سیاست هایی هستند که آموزش عمومی را تضعیف می کنند، جنگ علیه حقوق باروری زنان به راه انداخته و جوانان رنگین پوست را جرم انگاری می کنند. [9] رسانه های جریان اصلی که در پشت لباس تعادل و عینیت گرایی پنهان شده اند، در مواجهه با استبداد فزاینده برای قضاوت های تبعیض آمیز یا اتخاذ مواضع اخلاقی بسیار مردد هستند. یک پیامد این است که سیاست معادل سازی کاذب مانند آتش در میان لیبرال ها گسترش می یابد. همه از **جورج پکر** گرفته تا **مارگارت اتوود** مدعی هستند که چپ به اندازه راست مسئول حملات کنونی به دموکراسی و جنگ علیه جوانان است. این یک استدلال عجیب و نادرست است که نشان می دهد چپ به اندازه حزب جمهوری خواه و ارتش مدافعان و پیروان نوکر آن مسئولیت و قدرت دارد. یا اینکه مسئول تصویب قوانین سرکوب رأی دهندگان، سانسور کتاب ها و تاریخ در کلاس های درس، پذیرش تئوری های توطئه، حمایت از برتری سفید پوستان، حمایت از نظریه جایگزینی سفید پوستان، نظامی کردن سیاره زمین، ترویج ویرانی زیست محیطی، حمایت از نابرابری فلج کننده، و اولویت دادن به سود بر مردم است. زندگی انسان و کره زمین این خط استدلال نه تنها هر گونه احساس مسئولیت اخلاقی را نقض می کند، بلکه از نظر سیاسی نیز غیرصادقانه است و رمزی برای دفاع از سیاست های سمی فاشیسم نئولیبرال است.

جوانی در عصر نکرولیتیک

سیاست نکرولیتیک استفاده از قدرت اجتماعی و سیاسی برای تعیین چگونگی زندگی برخی از مردم و چگونگی مرگ برخی افراد است.... **تفسیر توسط این قلم**

نئولیبرالیسم در تحمیل ارزش ها، روابط اجتماعی، و اشکال مرگ اجتماعی خود بر تما می جنبه های زندگی مدنی که بر جوانان تأثیر می گذارد، ادامه می دهد. [10] به عنوان شکلی از سیاست نکرولیتیک، نوعی خشونت آهسته تولید می کند که ضربه ای مرگبار به

قرارداد اجتماعی، به ویژه در مورد سلامت عمومی وارد می‌کند. این **دی‌ان‌ای «DNA»** سرمایه داری گانگستری است که ویرانی و مرگ را در سرتاسر ایالات متحده گسترش می‌دهد، که در هیچ کجا به اندازه آشفتگی خدمات بهداشت عمومی در بحران اولیه **اچ‌آی‌وی «HIV» / ایدز** و اخیراً در مدیریت همه‌گیری COVID-19 مشهود نیست. با توجه به دومی، (CDC = مراکز کنترل و پیشگیری از بیماری یا امراض) گزارش داد که «از 1 آوریل 2020 تا 30 ژوئن 2021، بیش از 121000 کودک زیر 18 سال در ایالات متحده والدین خود را، یا پدربزرگ و مادربزرگ حضانت» که مسول قیمومیت ایشان بود»، یا پدربزرگ و مادربزرگ مراقبت‌کننده را که خانه و نیازهای اولیه کودک را تامین می‌کردند، از جمله عشق، امنیت، و مراقبت روزانه.» را از دست دادن [11] این یتیم شدن بی‌ضروری از کودکان، آنچه را که **آشیل امبیه** «دنیای مرگ» تولید شده توسط سیاست‌های نکرور می‌نامد، نشان می‌دهد که به «نوعی از وجود اجتماعی است که در آن جمعیت‌های وسیعی در معرض شرایط قرار می‌گیرند». [12] در «جهان‌های مرگ» سرمایه داری نئولیبرال، اصول بازار وحشی بر مراقبت‌های بهداشتی معنادار برای همه و دسترس به مواد اولیه اجتماعی اولویت دارند.

سیاست نکروسی اکنون توسط یک حزب جمهوری خواه برتری طلب سفیدپوست هدایت می‌شود که زندگی را از قرارداد اجتماعی، دولت رفاه، و زندگی افرادی که یکبار مصرف در نظر گرفته می‌شوند، به‌ویژه کودکان، از بین می‌برد. چگونه می‌توان تلاش‌های **کن پکستون**، دادستان کل تگزاس و **گرگ ابوت** فرماندار تگزاس برای جرم‌انگاری و ترساندن افراد یا مؤسسه‌های را که درمان پزشکی تأیید جنسیت را برای کودکان **ترنس** از جمله والدین آنها انجام می‌دهند، توضیح داد؟ این قانون ظالمانه علیرغم این واقعیت معرفی شد که همان‌طور که **چیس استرانجیو** خاطر نشان کرد: «در دسامبر 2021، پروژه ترور یک مطالعه بررسی شده منتشر کرد که نشان می‌داد «هورمون درمانی تأیید کننده جنسیت به طور قابل توجهی با نرخ پایین‌تر افسردگی، افکار خودکشی مرتبط است. و اقدام به خودکشی در میان جوانان **ترانجنسیتی** و غیر **دودویی**». [13] چه مرجع دیگری، به جز سیاست **نکروسی**، برای توضیح اینکه **ابوت** فرماندار **تگزاس** متنفّر از دموکراسی در نظر دارد به چالش کشیدن حکم سال 1992 مبنی بر اینکه ایالت‌ها باید «آموزش عمومی رایگان با کیفیت را ارائه دهند» استفاده شود. همه کودکان. [14] آنچه این حملات واپس‌گرایانه و ارتجاعی به جوانان نشان می‌دهد این است که ایالات متحده اکنون شبیه یک کشور شکست خورده است که در آن دولت‌ها برای از بین بردن دفاع خود در برابر نیروهای ضد دموکراتیک تلاش می‌کنند.

رهبری قدرت سفید حزب جمهوری خواه، مست از قدرت و عاری از هرگونه مسئولیت در قبال رفاه عمومی کودکان، هرگونه تظاهر به شهادت اخلاقی، عدالت اجتماعی و دموکراسی دفاعی را کنار گذاشته است. جهل ساختگی، تمیزه‌سازی ناشی از رسانه‌های اجتماعی، خصوصی‌سازی همه چیز، و فروپاشی فرهنگی مدنی و تخیل عمومی، همه

تصورات جامعه را که به ارزش‌های مشترک، اعتماد مشترک و نهادهای قوی محدود شده‌اند، از بین برده است. سیاست اکنون نظامی شده است، فرهنگ تماشایی شده است. علاوه بر این، ظلم و جهل ساختگی به عناصر اصلی حکومت تبدیل شده است [15].

پس از جنگ‌های بی‌پایان در سراسر جهان، دولت ایالات متحده از هزینه‌های نظامی هنگفت و پذیرش فرهنگ جنگ چیزی یاد نگرفته است. هر دو حزب سیاسی قادر به توسعه یک مجتمع نظامی-صنعتی هستند که با بیش از 700 پایگاه نظامی به دور زمین حلقه می‌زند، بیش از هر کشور دیگری تسلیحات هسته‌ای دارد و تا سال 2022 دارای بودجه دفاعی 778 میلیارد دلاری است. **برنی سندرز**، رئیس این سازمان کمیته بودجه سنا به درستی استدلال می‌کند که «در زمانی که ما در حال حاضر بیش از مجموع 11 کشور بعدی برای ارتش هزینه می‌کنیم، خیر، نیازی به افزایش گسترده بودجه دفاعی نداریم. [16] همین اکنون، طبقه مالی متورم یا ثروتمندان مالی ولابی‌گران آنها در حال خرید سیاستمدارانی هستند که مایلند خزانه‌های عمومی را در جنگ‌های خارج از کشور هدر دهند، در حالی که تلاش می‌کنند در سراسر جهان مناطق مرگ را ایجاد کنند که در آن هواپیماهای بدون سرنشین، تسلیحات با فناوری پیشرفته، و ارتش‌های خصوصی به طور فزاینده‌ای دست بکار اند و فعالیت می‌کنند. [17] محدود کردن چنین بودجه‌ای صرفاً صرفه‌جویی در پول نیست، بلکه در جهت هدایت مجدد چنین بودجه‌هایی به منظور رسیدگی به تعدادی از مسائلی است که مستقیماً جوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. جمهوری خواهان می‌توانند از افزایش بودجه دفاعی غافلگیر شوند، اما آنها از تمدید افزایش اعتبار مالیات بر کودکان جلوگیری کردند، که منجر به فقیر شدن 3.2 میلیون کودک، به ویژه کودکان سیاه پوست و لاتین تبار شد. [18] تنها یک دولت گانگستری با امتناع از اجرای برنامه‌های اجتماعی که نه تنها به نفع آنها، به ویژه شایسته‌ترین افراد، بلکه به نفع جامعه به عنوان یک کل است، با جوانان جنگ می‌کند. برنامه‌های اجتماعی با هدف کودکان بیش از یک سرمایه‌گذاری عمومی، یک مسئولیت اخلاقی و سیاسی است. همانطور که **گرگ روزالسکی** اشاره می‌کند:

«در سال‌های اخیر، اقتصاددانان انواع مزایایی را یافته‌اند که از مخارج دولت برای کودکان ناشی می‌شود، از جمله نتایج آموزشی بهتر، مشکلات بهداشتی کمتر، نرخ کمتر جرم و جنایت و حبس، و درآمد بیشتر (و پرداخت مالیات) زمانی که بچه‌ها بالغ می‌شوند. یک مطالعه اخیر در یک مجله اقتصادی برتر، توسط اقتصاددانان **هاروارد**، **ناتانیل هندن** و **بن اسپرونگ-کیسر**، به تجزیه و تحلیل هزینه‌های دولت پرداخت آنها دریافتند که هزینه‌های اجتماعی برای بچه‌ها بازدهی بسیار بیشتری برای جامعه در درازمدت نسبت به هزینه‌های بزرگسالان دارد. بازده آنقدر زیاد است که ممکن است هزینه‌های دولت برای بچه‌ها در طول عمر آن بچه‌ها، از طریق منافع اقتصادی برای بچه‌ها، و از طریق کاهش هزینه‌های عمومی برای آنها از طریق برنامه‌های اجتماعی دیگر وقتی که بزرگتر می‌شوند، خرج شود. [19]

امتناع از پرداختن به فقر کودکان و سایر مشکلات اجتماعی، جنگ با مواد مخدر، ترور، جنایت و زنان را به جنگ با کودکان گسترش می‌دهد. نابرابری آفتی است که بر جوانان آمریکایی تحمیل شده که با این حال، این وضع در سرمایه‌داری گانگستری به ابعاد خیره‌کننده‌ای می‌رسد، حتی قسمیکه «تحقیقات نشان داده است که فقر کودکان نرخ جرم و جنایت را افزایش می‌دهد، هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی را افزایش می‌دهد، نتایج آموزشی را بدتر می‌کند و اقتصاد کلی ما را کوچک می‌کند [20]». اقدام به خودکشی در میان جوانان، به ویژه در میان جوانان خانواده‌های کم‌درآمد، در حال افزایش است، تقریباً هیچ تلاشی و بررسی از سوی دولت برای رسیدگی به مشکل اساسی نابرابری در آمریکا وجود ندارد [21]. هما‌نطور که گفتمان مسئولیت اجتماعی و منفعت عمومی از زبان حاکمیت محو شده است، سیاست هم‌نظا می‌شده است.

نظا می‌سازی؛ خشونت را در داخل و خارج عادی و مروج می‌کند. تیراندازی‌های دسته‌جمعی به یک رویداد روزمره تبدیل شده است که به ندرت گزارش می‌شود [22]. در سرتاسر آمریکا، فرهنگ اسلحه‌های بیشتری را در اختیار افراد قرار می‌دهد، تقریباً 390 میلیون نفر در آمریکا به سلاح دسترس‌پذیر ازادانه دارند - علی‌رغم این واقعیت که مرگ‌های ناشی از اسلحه‌عامل اصلی مرگ در میان کودکان ایالات متحده در سال 2020 بود. همان‌طور که CDC اشاره می‌کند، افزایش مرگ و میر ناشی از اسلحه در میان آمریکایی‌های بین یک تا 19 سال بخشی از افزایش کلی 33.4 درصدی قتل با سلاح گرم در سراسر کشور بود. یعنی این مرگ و میر توسط‌انهایی صورت گرفته که از سلاح‌های در دست داشته‌ای خود سو استفاده کردند.

جنبش ویا تحرک قدرت سفیدها اکنون یک حزب جمهوری خواه را تعریف می‌کند که جوانان سیاه‌پوست و لاتین تبار در ایالات متحده را عناصری از فرهنگ جنایتکار می‌بیند که در معرض اعمال بی‌پایان بی‌قانونی و خشونت پلیس قرار دارند [24]. به رغم مرگ **جورج فلویید و برونا تیلور**، سکوت فزاینده‌ای در مورد این واقعیت وجود دارد که جوانان سیاه‌پوست به طور بی‌پایانی بعنوان شیطان و مجرم معرفی شده‌اند. بسیاری از مردم از این واقعیت که جوانان سیاه‌پوست به طور نامتنا سبی نسبت با جوانان سفید پوست دستگیر می‌شوند، در بازداشتگاه‌های نوجوانان بیش از حد حضور دارند، «نه برابر کودکان سفیدپوست به زندان‌های بزرگسالان محکوم می‌شوند» و به طور نامتناسبی تعلیق و اخراج می‌شوند و از حقوق آنها چشم‌پوشی می‌کنند. مدارس با کمبود منابع در نتیجه قوانین تحمل صفر [25] در برابر این خشونت علیه جوانان، گفتمان برتری سفیدپوستان، نفرت و تعصب در میان سیاستمداران جمهوری خواه، کارشناسان، و پایگاه گسترده‌تر حزب جمهوری خواه تشدید شده است [26]. در معرض موج جزر و مد سیاست‌های فاشیستی، جوانان سیاه‌پوست و لاتین تبار تحت محاصره هستند زیرا جنگ علیه جوانان به عنوان بخشی از جنبش ضد انقلابی رو به رشد در ایالات متحده تقویت می‌شود [27].

جوانان اکنون نظم اجتماعی ای را اشغال کرده اند که در آن جنگ، حتی اگر به طور مخربی بر وجود روزمره آنها تأثیر بگذارد، پرزرق و برق است پس از جنگ علیه تروریسم، خرابی‌های خشونت آمیز **عراق** و **افغانستان**، و تب جنگ کنونی که پیرامون جنگ در **اوکراین** پدیدار شده است، نظامی‌سازی به‌عنوان یک ماده مخدر ملی ظاهر شده است که عموم مردم را به اغما، بی‌تفاوت نسبت به حس جمعی، سیاسی، القا می‌کند. و مسئولیت اجتماعی صحبت از دیپلماسی در مورد جنگ در **اوکراین** قربانی درخواست برای ارائه سلاح‌های بیشتر شده است که به این مفهوم اعتبار می‌دهد که جنگ نهایی ترین و ارزشمندترین رویکرد برای سیاست خارجی است.

ترس، اضطراب توده‌ای و اتمیزه شدن اجتماعی «عمل بمباری» دری را به روی اغوای امپراتوری باز کرده است، که اکنون سلام «سلیوت یا سلام نظامی»، نمایش، و نمایشی عالی را برای نادیده گرفتن خشونت غارتگرانه که سیاست داخلی را با هدف جوانان شکل می‌دهد، فراهم می‌کند. اقتدارگرایی به پیش فرض جدید نئولیبرالیسم تبدیل شده است. این بدان معنا نیست که در این دوره جدید اقتدارگرایی خزانده، مصرف‌گرایی و سودجویی قدرت خود را به عنوان اصول سازماندهی شهروندی، اگر نگوییم خود آزادی‌ها، آنها از دست داده‌اند. زندان منفعت شخصی کنترل نشده و قدرت آزادی‌های زشت که به طور محدود از منشور منافع فردی تعریف شده است، هنوز داریست. یا همه جانبه ایدئولوژی نئولیبرالیسم را فراهم می‌کند که به بازارها اجازه می‌دهد روابط اقتصادی را فارغ از مقررات دولتی یا ملاحظات اخلاقی اداره کنند. آنچه تغییر کرده است این است که فاشیسم نئولیبرال اکنون به نقطه پایانی یک سرمایه‌داری گانگستری تبدیل شده است که دیگر نمی‌تواند از خود دفاع کند و اکنون با تبلیغ نفرت نژادی، برتری سفیدپوستان، پاکسازی نژادی، شکست‌های خود را منحرف می‌کند و طیفی از سیاست‌ها را به کار می‌گیرد که جنگ مداوم علیه جوانان را فراهم کند.

از آنجایی که یک قرارداد اجتماعی تضعیف شده مورد حمله مداوم قرار می‌گیرد، مدل زندان، همراه با اعمال و مکانیسم‌های تسریع‌کننده مجازات، به عنوان یک نهاد اصلی و شیوه حکمرانی تحت دولت به خودکشی ظاهر می‌شود. در نتیجه یک شیوه بیش از حد مجازات در حال نفوذ به یک انواع نهادها [28]. سازمان‌ها و خدمات عمومی که زمانی به جوانان محروم کمک و امید می‌کردند، اکنون با حضور پلیس، همراه با دیگر عناصر سیستم عدالت کیفری جایگزین شده‌اند [29]. چهره وحشیانه دولت پلیسی در حال ظهور نیز در حملات به جوانان سیاه‌پوست و معترضان جوان مشهود است. **فلوریدا** و سایر ایالت‌ها در حال معرفی و تصویب قوانینی هستند که مخالفت‌ها و اعتراضات گسترده را جرم‌انگاری می‌کند. افراد هوشیار جناح راست مانند **کایل ریتنهاوس** در رسانه‌های محافظه‌کار مورد تجلیل قرار می‌گیرند، زیرا سیاستمداران بیشتری از خشونت به نام فرصت‌طلبی سیاسی حمایت می‌کنند.

دموکراسی و جوانان در عصر برتری سفید:

دموکراسی روی کمک حیات است و نیست تلفات جنگ برای خالی کردن آن از هر ماده ای طولانی است. ما شاهد خصوصی‌سازی مداوم مدارس دولتی، مراقبت‌های بهداشتی،

زندان‌ها، حمل و نقل، ارتش، امواج عمومی هوا، زمین‌های عمومی و سایر عناصر حیاتی مشترک هستیم و در کنار آن، اساسی‌ترین آزادی‌های مدنی ما تضعیف می‌شود. خصوصی‌سازی در این مورد نه تنها کالاهای عمومی را به منافع نخبگان وحشی شرکت‌ها تبدیل می‌کند، بلکه این کالاها را در دست‌ان بنیادگرایان مبتنی بر بازار قرار می‌دهد که کنترل فزاینده‌ای بر تولید هویت‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های نمایندگی و مخالفت در کشور اعمال می‌کنند. ایالات متحده. همانطور که حوزه‌های عمومی اختصاص یافته به خیر عمومی کوچک می‌شود، زبان جامعه، ارزش‌های عمومی و مسئولیت اجتماعی از تصورات عمومی ناپدید می‌شود، همان‌طور که توانایی تبدیل مشکلات خصوصی به مشکلات اجتماعی بزرگتر به عنوان ابزار اساسی سواد مدنی ناپدید می‌شود. در عین حال، عجز و درماندگی آموخته شده در کشور به وجود آمده است، زیرا جهل، هم‌نوایی و تحقیر قضاوت‌های آگاهانه بر عقل تجلیل می‌شود. آفتی از ماشین‌های تخیل، آمریکایی‌ها را با دروغ‌ها و گفتمان کارشناسانی که در منطقه گرگ و میش جهل و نفرت نژادی ساکن هستند، غرق می‌کند. این کسری سیاسی و آموزشی به ویژه برای جوانانی که دیگر نماد سرمایه‌گذاری اجتماعی حیاتی و بلند مدت در آینده نیستند، مضر است.

از دهه 1970، فشارهای ضد دموکراتیک شیوه‌های حکومت، ایدئولوژی و سیاست‌های نئولیبرالی تشدید شده است. چیزی که به ویژه جدید است، شیوه‌ای است که در آن جوانان به طور فزاینده‌ای از حضور در یک قرارداد اجتماعی تضعیف شده محروم می‌شوند و درجه‌ای که آنها دیگر به عنوان محوری برای چگونگی تعریف ایالات متحده از آینده‌اش دیده نمی‌شوند. جوانان دیگر جایی نیستند که جامعه رویاهای خود را آشکار کند، بلکه به طور فزاینده‌ای کابوس‌های خود را پنهان می‌کند. در روایت‌های نئولیبرال، جوانان یا به عنوان بازار مصرف تعریف می‌شوند و یا در مقابل مشکل قرار می‌گیرند. [30] آنها تحت نظارت دائمی هستند و در دنیای منزوی یک رسانه اجتماعی زندگی می‌کنند که کمتر به آنها اطلاع‌رسانی می‌کند تا بچه‌داری و منزوی کردن آنها از یک جامعه بزرگتر. تغییر در بازنمایی نحوه صحبت جامعه آمریکا در مورد جوانان به میزان زیادی در مورد آنچه که در مورد بافت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه آمریکا و عدم سرمایه‌گذاری فزاینده آن بر روی جوانان، دولت اجتماعی و خود دموکراسی جدید تر می‌شود خیانت می‌کند. [31] حفاظت از کودکان در برابر ویرانی فقر، پلیس جنسی، خشونت دولتی، و اشکال بیهوش‌کننده مدرسه اکنون به طرز تکان‌دهنده‌ای توسط راست به عنوان رویه **پدوفیل‌ها** «فردی که از نظر جنسی جذب کودکان می‌شود». برچسب زده شده است.

این زبان دقیقاً از کتاب بازی فاشیست‌ها خارج شده است و در واژگان و طرز فکر جادویی زامبی‌های QAnon به روز شده است. همان‌طور که **مایکل برونسکی** مشاهده می‌کند، بسیاری از لایحه‌هایی که علیه جوانان ترانزجسیتی به تصویب می‌رسند، نشان‌دهنده جلوه‌ای از تاریخچه سیاست‌های واپس‌گرایانه و انتقام‌جویانه علیه جوانان و طیفی از دستاوردهای مترقی است. [32] چنین قانونی نشان‌دهنده نفرت آشکار و دوباره از همجنسگراهراسی است. برای بیان این نکته، او به مورد **کریستینا پوشاوی**، سخنگوی

فرماندار جناح راست فلوریدا، **ران دیسا نتیس**، اشاره می‌کند که در **توییتی** نوشت: «لایحه ای که لیبرال‌ها به اشتباه آن را «**نگو همجنس‌گرا**» می‌خوانند، به طور دقیق‌تر به عنوان یک ضدیت توصیف می‌شود. او می‌نویسد که این یک «توسل آشکار به همجنس‌هراسی است [که به این افسانه اشاره دارد که همجنس‌گراها بچه‌ها را «داماد» یا «استخدام» می‌کنند تا همجنس‌گرا شوند تا بتوانند با آنها رابطه جنسی داشته باشند. او به سرعت توییت اولیه خود را با این جمله دنبال کرد: "اگر شما با لایحه ضد آراستگی مخالف هستید، احتمالاً آرایشگر هستید یا حداقل نظافت کودکان 4 تا 8 ساله را محکوم نمی‌کنید." سکوت، همدستی است.» [34]

در اینجا چیزی بیش از تظاهرات کثیف همجنس‌گرا هراسی وجود دارد، همچنین منطق یکبار مصرف پوشیده از منطق یک مفهوم اقتدارگرایانه از عدالت اخلاقی و تهدید به خشونت و پاکسازی اجتماعی وجود دارد. به نام حمایت از جوانان، قانونگذاران جمهوری خواه می‌خواهند مقررات اجتماعی را کاهش دهند، جوانان ده ساله را به زندان بیاورند، و جوانان زیر سن قانونی را بدون هیچ شانس برای آزادی مشروط برای برخی جرایم زندانی کنند. سیاست‌های راست‌گرای جمهوری خواه که مدعی حمایت از کودکان هستند، تنها پوششی برای انجام درست برعکس است **برونسکی** در مدعی است:

نگوید صورت‌حساب‌های همجنس‌گرایان به عنوان بخشی از مجموعه کمپین‌هایی که قصد «دفاع» از کودکان را دارند، به صحنه می‌آیند. اینها شامل تلاش‌هایی برای حذف کتاب‌های مربوط به نژاد و تمایلات جنسی از کتابخانه‌های عمومی و مدارس، جلوگیری از تدریس پروژه ۱۶۱۹ و تئوری نژاد انتقادی، و کباب کردن **کتانجی براون جکسون**، کتانجی براون جکسون، نامزد دیوان عالی (قاضی کنونی) درباره نژاد پرست بودن یا نه. آنها با لوایح ایالتی مانند تگزاس هستند که مراقبت‌های پزشکی برای جوانان ترانزجسیتی را ممنوع می‌کند، که چنین قوانینی به طور قانونی برچسب "کودک‌آزاری" را می‌زنند و به عنوان دلیلی برای والدین برای حذف فرزندانشان از حضانت «قیمومیت» ذکر می‌کنند. اینها بر احساسات و قوانینی که از قبل وجود داشته است، ساخته شده است که ورزشکاران **ترنس‌جند** را از رقابت در ورزش و استفاده از حمام متناسب با جنسیت خود منع می‌کند. این در چارچوب گسترده‌تر یک حمل همه‌جانبه به حقوق باروری اتفاق می‌افتد: اینها شامل تلاش‌هایی برای جرم‌انگاری فروش و استفاده از قرص‌های سقط جنین دارویی، جرم‌انگاری کمک به زنان برای سقط جنین، و لغو احتمالی *Roe v. Wade* است. همه تحت لفاظی محافظت از "بی‌گناه‌ترین انسان‌ها: کودک متولد نشده" [35].

درک این نکته ضروری است که جنگ‌های فرهنگی دست راستی بخشی از یک جنبش ضد انقلابی گسترده‌تر است که گذشته‌ای را دربر می‌گیرد که در آن توسل جعلی به بی‌گناهی با قدرت افراتگرایان مسیحی سفید پوست برای بازسازی مدرنیته از طریق تحمیل ارزش‌های کتاب مقدس و ادغام صورت می‌گیرد. ثبت‌های طرد، کنترل و سرکوب [36] میشود همانطور که شر قوانین کار کودکان و دیگر بی‌عدالتی‌ها از نظر تاریخی غلبه می‌کردند، مدرنیته به طور فزاینده‌ای اذعان کرد که جوانان بمثابة سرمایه‌گذاری اجتماعی حیاتی برای توسعه یک دموکراسی اساسی هستند. اما ایمان

ظاهراً تزلزل ناپذیر مدرنیته به جوانان با ظهور نئولیبرالیسم و فاشیسم تغییر نام یافته و آن کوتاه مدت بوده است. وعده های مدرنیته در مورد پیشرفت، آزادی و امید، حداقل اصول دموکراتیک تر آنها، حذف نشده است. آنها دوباره پیکربندی شده اند، پتانسیل رهایی بخش خود را از دست داده و به منطق ابزار وحشی بازار تنزل داده اند. مدرنیته که دیگر با وعده های دموکراسی تنظیم نشده است، جای خود را به جوانان به طور کلی، اما به ویژه جوانان خارج از هنجارهای سنتی کتاب مقدس، به عنوان تهدید برای انضباط، سلب حقوق و تبعید به حوزه های طرد نهایی داده است. آنچه در سال 2010 نوشتیم «جوانان در یک جامعه مشکوک»، امروز پیشگوتر است و ارزش تکرار دارد.

اگر زمانی جوانان یک سرمایه گذاری اجتماعی در آینده را تشکیل می دادند و نماد وعده جهانی بهتر بودند، اکنون وارد مرحله دیگری در ساختن نظم اجتماعی جهانی می شوند که در آن کودکان به طور فزاینده ای شیطانی و جرم انگاری می شوند - مشروط به جستجوهای تصادفی نواری و افزایش نظارت، مجبور به تن فروشی، فروخته شدن به بردگی کودکان، ربوده شدن به عنوان کودک سرباز، و قربانیان بسیاری از اشکال دیگر خشونت شدند. جوانان به عنوان هدف یک جنگ کم شدت بدون دستمزد نهایی توسط دولت ها و شرکت های جهانی، اکنون با زبان های جرم انگاری و کالایی سازی تعریف می شوند، زندگی روزمره آنها با وضعیت اضطراری دائمی با میانجیگری افزایش استثماری اقتصادی، نابرابری طبقاتی و نژادی مشخص شده است. بی عدالتی ها [37].

مدرنیته از وعده های خود، هرچند ناقص یا محدود، به جوانان در مورد تحرک اجتماعی، ثبات و امنیت جمعی سرپیچی کرده است. برنامه ریزی بلند مدت و ساختارهای نهادی که از آنها حمایت می کنند اکنون به الزامات خصوصی سازی، مقررات زدایی، انعطاف پذیری و سرمایه گذاری های کوتاه مدت تنزل یافته اند. پیوندهای اجتماعی تحت فروپاشی حمایت های اجتماعی و دولت رفاه جای خود را داده اند، درست همان طور که "اکنون تاکید بر راه حل های فردی برای مشکلات تولید شده اجتماعی است." نه تنها «تجدید ساختارهای گسترده مدرنیته»، بلکه تأثیر «این تغییرات بر مفهوم کودکی و شرایط زندگی کودکان» است. [39] استیونز اشتباه نمی کند، اما منطق او ناقص است. آنچه اکنون شاهد آن هستیم، جنگ فاشیستی علیه جوانان و مرگ همان ایده مدرنیته است که اکنون به زبان دینی شرارت، دشمنان، سرکوب، پدوفیل ها و تعصب پوشیده شده است.

شدت پیامدهای این تغییر در مدرنیته تحت نئولیبرالیسم در میان جوانان از این واقعیت آشکار می شود که این اولین نسلی است که در آن «مشکلات طردشدگان ممکن است یک نسل کامل را دربرگیرد.» [40] زیگمونت باومن استدلال کرد که امروز جوانان «در شرایطی از رانش نهایی قرار گرفته اند، بدون اینکه بدانند گذرا است یا دائمی». از احساس گذرا، نامعین بودن، و ماهیت موقت هر حل و فصل آزاد با شید.» [42] خشونت نئولیبرال و فاشیستی تا حدی از طریق انتقال گسترده ثروت به 1 درصد بالا، نابرابری فزاینده، حاکمیت مالی ایجاد شد. خدمات، بسته شدن فرصت های آموزشی، سلب

منافع و منابع از افرادی که به دلیل نژاد و طبقه به حاشیه رانده شده اند، و بازگشت سیاست **جیم کرو**، نسلی بدون شغل، وحتى خود مختاری اجتماعی ایجاد کرده است. که از حداقل ترین مزایای اجتماعی نیز برخوردار نیستند.

جوانان دیگر امید به مکان محافظت شده ای را که به نسل های گذشته ارائه شده بود، اشغال نمی کنند. آنها اکنون در یک مفهوم نئولیبرالی از موقتی زندگی می کنند که با از دست دادن ایمان به آینده همراه با ظهور روایت های آخرالزمانی که در آنها آینده نامشخص، تیره و ناامن به نظر می رسد، مشخص می شود. زمان دیگر یک تجمّل نیست، بلکه یک محرومیت است که با مبارزه خفه کننده برای بقا گره خورده است. انتظارات و چشم اندازهای مترقی در کنار عادی سازی سیاست های دولت مبتنی بر بازار که حقوق بازنشستگان را از بین می برد، مراقبت های بهداشتی با کیفیت را حذف می کند، شهریه دانشگاه ها را افزایش می دهد و دنیای سختی از بدهی ها و کار پاره وقت را تولید می کند، در هم می ریزد و در عین حال میلیون ها نفر را به مردم می دهد. بانک ها و ارتش به ویژه دانش آموزان اکنون خود را در دنیایی می بینند که در آن امیدهای از بین رفته جای خود را به افزایش انتظارات داده است. وعده های آموزش عالی و گواهینامه های غبطه انگیز پیش از این به کلاهبرداری تبدیل شده است، زیرا «برای اولین بار در حافظه زنده، کل طبقه فارغ التحصیلان با احتمال زیاد، تقریباً قطعی، موقت، موقت، ناامن و جزئی مواجه هستند. مشاغل با زمان، مشاغل شبه «کارآموزان» بدون مزد که به طور فریبکارانه ای «عملکردها» را تغییر نام داده اند — همه به میزان قابل توجهی کمتر از مهارت های بی که به دست آورده اند و سال ها کمتر از سطح انتظارشان هستند.» [43]

کالایی سازی، خصوصی سازی، بیکاری، امیدهای ناامید شده، مشروعیت بخشیدن به پاکسازی نژادی، و پروژه های مرده متولد شده. [44] آنها همچنین برای ظهور یک سیاست فاشیستی که به همان اندازه بی رحم است که در نفرت از جوانان سیاه و قهوه ای بی رحم است، آماده نشده اند. نسل کنونی در جامعه ای از مصرف کنندگان به دنیا آمده است که در آن زبان، روابط اجتماعی، کالاهای عمومی و جوانان به طور فزاینده ای نظا می، خصوصی سازی شده و از هرگونه تصویری از خیر عمومی حذف می شوند.

ساختارهای ساختارهای ایدئولوژیک و نهادی نئولیبرالیسم بیش از بی سرمایه گذاری در جوانان انجام می دهند، بلکه فضای محافظت شده کودکی را به منطقه طرد و ظلم انضباطی تبدیل می کنند. بسیاری از جوانان اکنون یکبار مصرف در نظر گرفته می شوند و مجبور به سکونت در "مناطق رها شده اجتماعی" از مدارس بد تا با زداشتگاه ها و زندان های بزرگ می شوند. [45] در بحبوحه ظهور دولت تنبیه کننده، مدارهای سرکوب دولتی، نظارت و دور ریختن به طور فزاینده ای «سرنوشت سیاه پوستان، لاتین تبارها، بومیان آمریکا، سفیدپوستان فقیر و آمریکایی های آسیایی را که اکنون در یک حکومت گیر افتاده اند به هم مرتبط می کند. مجموعه جوانان جنایتکار، که اکنون به عنوان راه حل های پیش فرض برای مشکلات عمده اجتماعی عمل می کند [46] فرمانداران جمهوری خواه، معیوب ترور و خشونت را با هدف جوانان گسترش داده اند. آنها از تولید انبوه اسلحه حمایت می کنند، مؤسساتی را که در آن جوانان می توانند یاد بگیرند

چگونه به عوامل انتقادی تبدیل شوند را نابود می‌کنند و محدودیت های اقتصادی را بر آنها تحمیل می‌کنند که آنها را به یک زندگی بی‌پایان محکوم می‌کند.

جوانانی که قبلاً به دلیل سن خود از حق رای محروم شده اند، امروزه به شیوه هایی کاملاً جدید مورد حمله قرار می‌گیرند، زیرا اکنون با جهانی بسیار خطرناک تر از هر زمان دیگری در تاریخ اخیر روبرو هستند. آنها نه تنها در فضای بی‌خانمانی اجتماعی زندگی می‌کنند که در آن بی‌ثباتی و بلا تکلیفی آنها را از آینده‌ای مطمئن باز می‌دارد، بلکه خود را در جامعه ای زندگی می‌کنند که می‌خواهد با نامرئی کردنشان، اگر نه یکبار مصرف، آنها را ساکت کند. [47] چگونه می‌توان جنگ کنونی علیه جوانان ترانژنسیتی را توضیح داد و آنچه را که برای از بین بردن طیفی از آزادی های مدنی که بر جوانان غالباً افرایمی و دور ریختنی تلقی می‌شوند، پیشنهاد می‌کند. قربانیان جنگ علیه عدالت اقتصادی، برابری و ارزش های دموکراتیک، اکنون به جوانان گفته می‌شود که توقع زیادی نداشته باشند و وضعیت عشایری «بی‌وطن، بی‌چهره و بی‌کارکرد» را بپذیرند، وضعیت اسفناکی که به تنهایی مجبور به پذیرش آن هستند. مسئولیت. [48] در بهترین حالت، به آنها گفته می‌شود که هر کدام باید مسئولیت سرنوشت خود را به تنهایی بر عهده بگیرند. در بدترین حالت، آنها غیرمولد، بیش از حد و کاملاً قابل مصرف در نظر گرفته می‌شوند.

جوانان در حال حاضر در هر صحبتی درباره دموکراسی غایب هستند. ناپدید شدن آنها نشانه جامعه ای است که علیه خود روی آورده است، فرزندانش را مجازات می‌کند و این کار را با خطر کشتن کل بدن جامعه انجام می‌دهد. تحت رژیم داروینیسیم اقتصادی بی‌رحم که بر خود محوری، پیروزی به هر قیمتی، جنگ علیه همه اخلاقیات تأکید می‌کند، مفاهیم و شیوه های اجتماع و همبستگی جای خود را به دنیایی از سیاست های بی‌رحم، طمع مالی، نمایش های رسانه ای و رسانه ها و مصرف گرایی دیوانه وار داده است.

زندگی روزمره جوانان سفیدپوست، مهاجر و اقلیت فقیر در واقع به موضوعی برای بقا تبدیل شده است. بسیاری از این جوانان که دیگر در کلاس های با پیشرفت تحصیلی بالا یا پایین دنبال نمی‌شوند، مستقیماً از مدرسه خارج می‌شوند و به سیستم عدالت کیفری نوجوانان رانده می‌شوند. [49] در چنین شرایطی، استفاده از گروه های اجتماعی خاص در نظم سیاسی و اجتماعی نقش محوری پیدا می‌کند. بسیاری از جوانان دبیرستان را به پایان نمی‌رسانند، اما در عوض با ر سنجین سیستمی را متحمل می‌شوند که آنها را بی‌سواد و بیکار می‌گذارد، و در نهایت زندگی در فقر یا زندان را به آنها می‌دهد. - تنها نقش های موجود برای افرادی که نمی‌توانند تولیدکننده یا مصرف کننده باشند. . وقتی پایه های مادی آزانس و امنیت ناپدید می‌شوند، جوانان به وضعیت زباله هایی تنزل می‌یابند که در صنعت جهانی زباله انسانی دور انداخته یا پنهان می‌شوند. دیگر چگونه می‌توان سرنوشت نسل های جوان، به ویژه جوانان فقیر سفید، قهوه ای و سیاه پوست را توضیح داد که خود را در کشوری می‌یابند که رهبر جهان در حبس است، کشوری که در آن چنین جوانانی پیوند جنایت محسوب می‌شوند؟

پس از جنگ علیه تروریسم و ظهور حزب جمهوری خواه فاشیست، جوانان به دشمن انتخابی تبدیل شده اند و به عنوان تهدید بیدی فراگیر برای اقتدار مسلط ارتقا یافته‌اند. افزایش نظامی شدن نیروهای پلیس محلی و استفاده فزاینده آنها از خشونت علیه معترضان جوان نشان دهنده خطری است که جوانان در حال حاضر برای افزایش نژادپرستی سیستمیک، ویرانی زیست محیطی و خشونت پلیس ایجاد می‌کنند. به جای اینکه کودکان پرورش یابند و آموزش ببینند، اکنون آنها را در زندان‌های خطرناک حبس می‌کنند و به شیطان تبدیل می‌کنند تا توجه ما را از مشکلات واقعی اجتماعی و راه حل‌های بالقوه آنها منحرف کنند. در عین حال، جامعه از طریق تحمیل شیوه‌های انضباطی خشن بر آسیب پذیرترین اعضای خود و معلمان، کارمندان دولتی و مؤسسه‌ای که جوانان را آموزش و پرورش می‌دهند، درگیر آیین پاکسازی عمومی می‌شود.

وضعیت رو به وخامت جوانان ممکن است جدی‌ترین چالش پیش روی مربیان، مددکاران اجتماعی، کارگران جوانان و دیگران در قرن بیست و یکم باشد. این مبارزه‌ای است که درک جدیدی از سیاست می‌طلبد، مبارزه‌ای که می‌طلبد فراتر از آنچه داده شده فکر کنیم، غیرقابل تصور را تصور کنیم و آرمان‌های والای دموکراسی را با تمایل به مبارزه برای تحقق آن ترکیب کنیم. اما این مبارزه‌ای نیست که بتوان آن را از طریق مبارزات فردی یا جنبش‌های سیاسی پراکنده به دست آورد. این خواستار شیوه‌های جدید همبستگی، سازمان‌های سیاسی جدید و یک جنبش اجتماعی قدرتمند است که بتواند منافع گروه‌های مختلف سیاسی را متحد کند. این مبارزه‌ای است که به همان اندازه که سیاسی است آموزشی است. همچنین مبارزه‌ای است که به همان اندازه ضروری است مبارزه‌ای است که نباید نادیده گرفته شود.

با جنگ مقابله با جوانان:

یکی از راه‌های پرداختن به دیدگاه‌های فکری و اخلاقی در حال فروپاشی ما در مورد جوانان این است که آن خط‌مشی‌ها، ارزش‌ها، فرصت‌ها و روابط اجتماعی را تصور کنیم که مسئولیت بزرگسالان را برمی‌انگیزد و این الزام اخلاقی را تقویت می‌کند تا به جوانان، به ویژه آنهایی که از نظر نژاد و طبقات به حاشیه رانده شده‌اند. شرایط اقتصادی، اجتماعی و آموزشی که زندگی را قابل زندگی و آینده را پدیدار می‌کند. در قلب چنین دیدگاهی قرار دادن آموزش در مرکز سیاست است. علاوه بر این، چنین بینشی باید فراتر از آنچه **آلن بدیو** آن را «بحران نفی» [50] نامیده است، حرکت کند، که شکست تخیل، آگاهی تاریخی و بیزاری از ایده‌های جدید است. فراخوان برای چشم انداز جدید را می‌توان در اعتراضاتی که توسط جنبش‌های **Black Lives Matter** و دیگر جنبش‌های مقاومت جوانان در سراسر جهان به راه انداخته‌اند، یافت. همچنین تاریخچه طولانی مقاومت در ایالات متحده وجود دارد که می‌توان آن را به عنوان منبعی در مبارزه با جنگ علیه جوانان بازخوانی کرد و از آن آموخت. [51] در لحظه تاریخی کنونی، آنچه در جنبش رو به رشد اعتراضات جوانان در سراسر جهان مشهود است، تلاش جسورانه برای تصور امکان جهانی دیگر، امتناع از لحظه کنونی تک بعدی بودن تاریخی، و

امتناع از رضایت به اصلاحاتی است که صرفاً افزایشی به عنوان بزرگسال، همچنین این سوال وجود دارد که ما به عنوان مربیان، معلمان، روزنامه نگاران، هنرمندان و مددکاران اجتماعی چه مسئولیتی داریم که به کودکان در مورد خشونت آموزش دهیم و آنها را از کجا می‌آید، چگونه کار می‌کند و چگونه می‌توان آن را به چالش کشید [52].

ایالات متحده تبدیل به یک جامعه نکروسیاسی شده است که حول اولویت‌های ساد بیستی سازماندهی شده است، با خشونت گسترده و شیوه‌های اعمال بیش از حد مجازات به عنوان بخشی از فرهنگ ظلم که لذت اقتصاد واقعی را به حالتی به ساد بیسم تبدیل می‌کند که پایه و اساس را ایجاد می‌کند. ودموکراسی را از هر جوهر سیاسی و حیات اخلاقی بیرون می‌کشد. سرمایه‌داری گانگستری در شیوه تغییر نام تجاری سیاست فاشیستی، هر مفهوم قابل قبولی از عقلانیت، اخلاق و دموکراسی را بی‌ارزش می‌کند. وحشت اخلاقی با اکتان بالا، فرار از مسئولیت مدنی، بی‌رحمی شدید، و تولید بی‌وقفه رنج انسانی به محصولات جانبی یک جامعه نژادپرست و بازار محور تبدیل شده است که در سایه اقتدارگرایی خزنده گرفتار شده است.

رواج بی‌عدالتی نهادینه شده، قوانین قانونی غیرقانونی، و خشونت در حال گسترش در جامعه آمریکا نشان می‌دهد که تنها راه رو به جلو برای رسیدن به آینده‌ای قابل دوام باید با گفتگو و سیاست جدیدی آغاز شود که به چگونگی ظاهر یک جهان واقعاً عادلانه و منصفانه بپردازد. ما شاهد آغاز چنین گفتگویی در میان طیفی از جنبش‌های جوانان هستیم که به چگونگی ساختن آینده‌ای عاری از سرمایه‌داری نئولیبرال می‌پردازند. این نیز بخشی از یک گفتگوی طولانی است که ناشی از نیاز به یک زبان سیاسی جدید است که با دقت و تأمل فراوان توسط روشنفکران، هنرمندان، کارگران، اتحادیه‌ها، والدین، مربیان، جوانان، و دیگرانی که حمایت‌های فردی آنها را انجام می‌دهند، تدوین می‌شود. حقوق اجتماعی در معرض خطر جدی سیاست فاشیستی است که زهر خود را در سراسر بدنه سیاست پخش می‌کند.

گرایش‌های فاشیستی دولت، با دستگاه‌های خشونت‌آمیزش، در تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی رخنه می‌کند و روشن می‌سازد که بسیاری از جوانان و سایرین که از نظر طبقه، جنسیت، نژاد و قومیت به حاشیه رانده شده‌اند، با ادعای آمریکا مبنی بر دموکراسی کنار گذاشته شده‌اند. بخش قابل توجهی از مردم آمریکا و کل حزب جمهوری خواه از وعده و آرمان‌های یک دموکراسی رادیکال دست برداشته‌اند، که نشان‌دهنده فوریت جدیدی برای ظهور یک سیاست جمعی و جنبش‌های اجتماعی است که هم می‌توانند نظم مستقر سرمایه‌داری را نفی کنند و هم تخیل کنند. ظهور یک جامعه سوسیالیستی دموکراتیک در این تلاش‌ها، نقد باید با احساس احتمالات واقع‌گرایانه ادغام شود. در عین حال، مبارزات فردی و جناح‌های سیاسی منزوی باید به یک جنبش اجتماعی توده‌ای بزرگتر گسترش یابد.

حداقل، عموم مردم آمریکا به فرزندان و نسل‌های آینده خود مدیون تلاش قابل توجهی برای از بین بردن ماشین‌های نئولیبرالی نکروپولیتیک مرگ هستند. این امر برای احیای روحیه آینده‌ای ضروری است که برای زندگی به جای جهان‌های مرگ اقتدارگرایی فعلی

کار می‌کند. زمان آن فرا رسیده است که جوانان، مربیان، هنرمندان و سایر فرهنگیان نقاط را به هم متصل کنند، خود را آموزش دهند و جنبش‌های اجتماعی را توسعه دهند که نه تنها زبان دموکراسی را بازنویسی می‌کند، بلکه نهادها و فرهنگ‌های شکل‌دهنده‌ای را که آن را ممکن می‌سازد، به کار می‌گیرد.

چنین چالشی بدون مرکزیت دادن به آموزش برای سیا ست، تغییر آگاهی توده‌ها، و ایجاد نهادها و جنبش‌های اجتماعی که چنین تغییراتی را دست یا فتنی می‌سازد، صورت نخواهد گرفت. در مواجهه با فاشیسم ارتقا یافته کنونی، دیگر جایی برای محدودیت یا مشورت طولانی وجود ندارد. آنچه مورد نیاز است قضاوت آگاهانه و ایده‌های دقیق است که کا تا لیزوری برای کنش توده‌ای در میان کارگران، هنرمندان، معلمان، دانش‌آموزان، جوانان و دیگرانی ایجاد کند که اجازه نمی‌دهند ابرهای سیاه فاشیسم امیدها و امکانات آنها را برای تصور نظم اجتماعی متفاوت خفه کند. بهتر است به سخنان **جیمز بالدوین** در فیلم *The Fire Next Time* توجه کنیم. او می‌نویسد: «ابحاراً بالا می‌آید، نور از کار می‌افتد، عاشقان به یکدیگر می‌چسبند و کودکان به ما می‌چسبند. لحظه‌ای که از نگه داشتن همدیگر دست می‌کشیم، لحظه‌ای که ایمان خود را با یکدیگر شکست می‌دهیم، دریا ما را فرا می‌گیرد و نور خاموش می‌شود. چراغ‌ها کم‌رنگ‌تر می‌شوند، اما جرقه مقاومت همیشه آماده است تا آتشی را روشن کند که می‌تواند ما را از تاریکی بیرون بکشد.

Notes.

[1] See more recently, Jeffrey St. Clair, “The Origins of America’s Vicious War on its Own Kids,” *Counterpunch* (May 1, 2022). Online: <https://www.counterpunch.org/2022/05/01/the-origins-of-americas-vicious-war-on-its-own-kids-2/>; see also Henry A. Giroux, *Youth in a Suspect Society* (New York: Palgrave 2010); Henry A. Giroux, *The Abandoned Generation* (New York: Palgrave, 2003).

[2]. Anne-Marie Cusac, *Cruel and Unusual: The Culture of Punishment in America* (New Haven: Yale University Press, 2009), p. 175.

[3] Mark Walker, “Report Catalogs Abuse of Native American Children at Former Government Schools,” *New York Times* (May 11, 2022). Online: <https://www.nytimes.com/2022/05/11/us/politics/native-american-children-schools-abuse.html>

[4] Jacqueline Howard, “US ranks lower than 38 other countries when it comes to children’s wellbeing, new report says,” *CNN Health* (February 18, 2020). Online: <https://www.cnn.com/2020/02/18/health/children-health-rankings-unicef-who-lancet-report/index.html>

[5] Juana Summers, “Young Americans are raising alarms about the state of U.S. democracy in a new poll,” NPR (December 1, 2021). Online: <https://www.npr.org/2021/12/01/1060429939/young-americans-are-raising-alarms-about-the-state-of-u-s-democracy-in-a-new-poll>

- [6]. Robert Reich, “The Fable of the Century,” *Robert Reich’s Blog* (April 6, 2012), <http://robertreich.org/post/20538393444>
- [7] See, for instance, Henry A. Giroux, *Race, Politics, and Pandemic Pedagogy: Education in a Time of Crisis* (London: Bloomsbury, 2021).
- [8] Colin Crouch, *The Strange Non-death of Neoliberalism* (London: Polity, 2011).
- [9] See, for instance, Anne Nelson, *Shadow Network: Media, Money, and the Secret Hub of the Radical Right* (London: Bloomsbury, 2021); Jane Mayer, *Dark Money: The Hidden History of the Billionaires Behind the Rise of the Radical Right* (New York: Anchor, 2017); Nancy MacLean, *Democracy in Chains* (New York: Viking, 2017).
- [10]. Some useful sources on neoliberalism include: Randy Martin, *An Empire of Indifference: American War and the Financial Logic of Risk Management* (Durham: Duke University Press, 2007); Naomi Klein, *The Shock Doctrine: The Rise of Disaster Capitalism* (New York: Knopf, 2007); David Harvey, *The Enigma of Capital and the Crisis of Capitalism* (New York: Oxford University Press, 2010); and Gerard Dumenil and Dominique Levy, *The Crisis of Neoliberalism* (Cambridge: Harvard University Press, 2011); Henry A. Giroux, *Terror of Neoliberalism: Authoritarianism and the Eclipse of Democracy* (New York: Routledge, 2018); Wendy Brown, “Introduction,” *In The Ruins of Neoliberalism: The Rise of Antidemocratic Politics in the West*, (New York: Columbia University Press, 2018); Simon Springer, *The Handbook of Neoliberalism* (New York: Routledge, 2020); Thomas Piketty, *Time for Socialism: Dispatches from a World on Fire, 2016-2021* (New Haven: Yale, 2021).
- [11] Press Release, “the Hidden U.S. COVID-19 Pandemic: Orphaned children—More than 140,000 US Children Lost a Primary or Secondary Caregiver Due to the CoVID-19 Pandemic,” *CDC Newsroom* (October 7, 2021). Online: <https://www.cdc.gov/media/releases/2021/p1007-covid-19-orphaned-children.html>
- [12] Achille Mbembe, *Necropolitics* (Durham: Duke University Press, 2019), p. 92.
- [13] Chase Strangio, “Texas Is Terrorizing Trans Youth,” *The Nation* (February 24, 2022). Online: <https://www.thenation.com/article/activism/texas-gender-affirming-care/>
- [14] Julia Conley, “Texas GOP Governor Considers Challenging 1982 Ruling Requiring Free Public Education,” *CommonDreams* (May 5, 2022). Online: https://www.commondreams.org/news/2022/05/05/texas-gop-governor-considers-challenging-1982-ruling-requiring-free-public-education?utm_source=weekly_newsletter&utm_medium=Email&utm_campaign=weekly_newsletter
- [15] Jonathan Haidt, “Why the Past 10 Years of American Life Have Been Uniquely Stupid,” *The Atlantic* (April 11, 2022). Online: <https://www.theatlantic.com/magazine/archive/2022/05/social-media-democracy-trust-babel/629369/>
- [16] Joan E. Greve, “Biden’s record defense budget draws progressive ire over spending priorities,” *The Guardian* (April 3, 2022). Online: <https://www.theguardian.com/us-news/2022/apr/03/biden-record-defense-budget-progressive-spending-priorities>

[17]. Bill Moyers and Michael Winship, “The Best Congress the Banks’ Money Can Buy,” *CommonDreams.org* (April 6, 2012), <http://www.commondreams.org/view/2012/04/06?print>

[18] Isaac Chotiner, “The Devastating Effects of Losing the Child Tax Credit,” *The New Yorker* (March 4, 2022). Online: <https://www.newyorker.com/news/q-and-a/the-devastating-effects-of-losing-the-child-tax-credit>

[19] Greg Rosalsky, “Why America Has Been So Stingy In Fighting Child Poverty,” NPR (February 22, 2022). Online: <https://www.npr.org/sections/money/2022/02/22/1081373489/why-america-has-been-so-stingy-in-fighting-child-poverty>

[20] Nate Golden, “Child poverty is not just a moral failure, it’s a policy choice,” *The Baltimore Sun* (April 28, 2022). Online: <https://www.baltimoresun.com/opinion/op-ed/bs-ed-op-0502-child-poverty-credit-20220428-yiaeho5fbfaaxyht53imjs7ji-story.html>

[21] Jonathan Miles, “Can child poverty stimulate mental health disorders in adulthood?” *Open Access Government* (February 10, 2022). Online: <https://www.openaccessgovernment.org/child-poverty-mental-health/129395/>

[22] Mark Follman, *Trigger Points: Inside the Mission to Stop Mass Shootings in America* (New York: Dey Street Books, 2022).

[23] Editorial “Gun deaths were the leading killer of US children in 2020.” *BBC News* (April 22, 2022). Online: <https://www.bbc.com/news/world-us-canada-61192975>

[24] Policy Platform, “End the war on black youth,” *M4BL* (March 2022). Online: <https://m4bl.org/policy-platforms/end-the-war-on-black-youth/>. See also Alex S. Vitale, *The End of Policing* (New York: Verso, 2018).

[25] Policy Platform, “End the war on black youth,” *M4BL* (March 2022). Online: <https://m4bl.org/policy-platforms/end-the-war-on-black-youth/>

[26] Ibid.

[27] Henry A. Giroux, *Pedagogy of Protest* (London: Bloomsbury, 2022).

[28]. Anne-Marie Cusac, *Cruel and Unusual: The Culture of Punishment in America* (New Haven: Yale University Press, 2009).

[29]. There are a number of important books that address this issue. See, Angela Y. Davis, Gina Dent, Erica R. Meiners, and Beth E. Richie, *Abolition. Feminism. Now.* (Chicago: Haymarket Press, 2022); Elizabeth Hinton, *America on Fire* (New York: Liveright Publishing, 2021); Michelle Alexander, *The New Jim Crow: Mass Incarceration in the Age of Colorblindness* (New York: The New Press, 2010).

[30] These themes are taken up in Lawrence Grossberg, *Caught In the Crossfire: Kids, Politics, and America’s Future*, (Boulder: Paradigm Publishers, 2005); Henry A. Giroux, *Youth in a Suspect Society* (New York: Routledge, 2009).

[31] See, for example, Jean and John Comaroff, “Reflections of Youth, from the Past to the Postcolony,” *Frontiers of Capital: Ethnographic Reflections on The New Economy*, ed. Melissa S. Fisher and Greg Downey, (Durham, NC: Duke University Press, 2006) pp. 267-281

[32] Michael Bronski, “Grooming and the Christian politics of innocence.” *Boston Review* [May 3, 2022]. Online :

<https://bostonreview.net/articles/grooming-and-the-christian-politics-of-innocence>

[33] Ibid.

[34] Ibid.

[35] Ibid.

[36] I take up this issue of a resurgent counterrevolutionary politics in *Insurrections: Education and the Challenge of Revolutionary Politics*(London: Bloomsbury, in press).

[37] Henry A. Giroux, *Youth in a Suspect Society* (New York: Routledge, 2010).

[38] Zygmunt Bauman, *Liquid Times: Living in an Age of Uncertainty* (Cambridge: Polity Press, 2007), p. 14.

[39] Sharon Stephens, ed., *Children and The politics of Culture*, (Princeton, N.J.: Princeton University Press, 1995), p. 19.

[40] Zygmunt Bauman, “Downward mobility is now a reality,” *The Guardian* (May 31, 2012). Online <http://www.guardian.co.uk/commentisfree/2012/may/31/downward-mobility-europe-young-people>; Bauman develops this theme in detail in both Zygmunt Bauman, *On Education*, (Cambridge, UK: Polity Press, 2012) and Zygmunt Bauman, *This Is Not A Diary*, (Cambridge, UK: Polity Press, 2012).

[41]. Zygmunt Bauman, *Wasted Lives* (London: Polity, 2004), p. 76.

[42]. Ibid. p. 76.

[43] Zygmunt Bauman, *On Education* (Cambridge: Polity Press, 2012), p. 47.

[44] Ibid. Bauman, *On Education*, p. 47.

[45]. I have borrowed the term “zones of social abandonment” from João Biehl, *Vita: Life in a Zone of Social Abandonment* (Berkeley: University of California Press, 2005); see also Henry A. Giroux, *Disposable Youth* (New York: Routledge, 2012) and Michelle Alexander, *The New Jim Crow* (New York: The Free Press, 2012).

[46] Angela Y. Davis, “State of Emergency,” in Manning Marable, Keesha Middlemass , and Ian Steinberg, Eds. *Racializing Justice, Disenfranchising Lives* (New York: Palgrave, 2007), p. 324.

[47] See Brad Evans and Henry A. Giroux, *Disposable Futures: The Seduction of Violence in the Age of Spectacle* (San Francisco: City Lights, 2015).

[48]. Zygmunt Bauman, *Wasted Lives* (London: Polity Press, 2004), pp. 76-77.

[49]. Carl Suddler, *Presumed Criminal: Black Youth and the Justice System in Postwar New York* (New York: NYU Press, 2020); Kristin Henning, *The Rage of Innocence: How America Criminalizes Black Youth* (New York: Pantheon, 2021); Henry A. Giroux, *Youth in a Suspect Society: Democracy or Disposability?* (New York: Palgrave, 2010).

[50] John Van Houdt, "The Crisis of Negation: An Interview with Alain Badiou," *Continent* 1:4 (2011), <http://continentcontinent.cc/index.php/continent/article/viewArticle>

[51] Robin D. G. Kelley, *Freedom Dreams: The Black Radical Imagination* (Boston: Beacon Press, 2022) and Robin D. G. Kelley, *Black Bodies Swinging: A Historical Autopsy* (New York: Metropolitan Books, 2023).

[52] See Brad Evans, "How Should we Educate Children About Violence." *Journal for Critical Education* (forthcoming Spring 2022).

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :

هنری ای . وجدیدترین کتاب های او عبارتند از: کسری تحصیلات آمریکا و جنگ با جوانان (منتلی ریویو مطبوعات، 2013)، جنگ نئولیبرالیسم علیه آموزش عالی (پرس های مارکت، 2014)، عمومی در خطر: ترامپ و تهدید اقتدارگرایی آمریکایی (راتلج، 2018) و کابوس آمریکایی: رویارویی با چالش فاشیسم (چراغ های شهر، 2018)، در مورد آموزش انتقادی، ویرایش دوم (بلومزبری)، و نژاد، سیاست، و آموزش همه گیر: آموزش در زمان بحران (بلومزبری 2021). وب سایت او. www.henryagiroux.com.

با تقدیم احترامات «2022-05-15»